

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیستم ۱۳۹۶/۰۹/۰۷

موضوع: «عید الزهراء» یا توهین و اهانت به مقدسات اهل سنت!؟

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة
على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

آغاز روز امامت حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) را به پیشگاه مقدس حضرت صاحب الزمان و شما

عزیزان تبریک عرض می‌کنیم. حضرت امیرالمؤمنین فرمودند:

«وَكُلُّ يَوْمٍ لَا [نَعَصِي اللَّهَ] يَغْضَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ»

روزی که انسان در آن گناه نکند آن روز عید است.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۵۵۱، ح

۴۳۷

البته اینکه بعضی‌ها حدیثی را نقل می‌کنند تحت عنوان روایت «رفع القلم» و ...؛ و نسبت می‌دهند به این
روزها، صحیح نیست و ما همچنین چیزی نداریم. زیرا روایت «معلی بن خنیس» ضعیف است.

هرچند اگر این روایت صحیح هم باشد با مسلمات قرآن و سنت صددرد در تعارض است. خود «معلی بن

خنیس» ضعیف است و در ضعف او شکی نیست. ما در اسلام بحث «رفع القلم» نداریم، الا «رفع عن امتی

تسعه» که بحث نسیان و... است. ما غیر از آن حدیث رفع نداریم.

بلکه برعکس عزیزان باید به فرمایش آیت الله العظمی بهجت دقت کنند. اگر در اینترنت عبارت «بهجت+عید الزهرا» را جستجو کنید حدود ۲۰۰ سایت نظر ایشان را نقل کرده‌اند که ایشان فرمودند: اگر شما در قم، تهران، تبریز، مشهد به نام عید الزهرا به مقدسات اهل سنت توهین کنید و به همین خاطر در آن طرف دنیا از یک مؤمن هتک حرمت شود یا یک مؤمنی به قتل برسد شما در این کار شریک هستید.

قطعاً شرکت کردن در این‌طور جلسات خلاف شرع بین است. متأسفانه بعضی از روحانیون هم این جلسات را برگزار و اداره می‌کنند. به هر قیمتی باشد گزارش این جلسات به دست اهل سنت و مخالفین می‌رسد و زمینه‌ای برای کشتن شیعه فراهم می‌کند.

کسانی که مجالس عید الزهرا را برگزار می‌کنند چنین می‌پندارند که اگر این مجالس را بگیرند یا نگیرند شیعه را می‌کشند، اما توجه ندارند که اگر با این کارشان باعث شوند یک شیعه بیشتر کشته شود یا از بینی یک شیعه خون جاری شود طبق فتوای یک مرجع تقلید، اینها در این کار شریک هستند.

آیت الله العظمی بهجت هم شخصی سیاسی نبود و چنین نبود که بگوییم به خاطر مسائل سیاسی و وحدت و تقریب این حرف‌ها را زده باشد، بلکه به عنوان یک مسئله شرعی این سخن را گفته است.

به علاوه مشاهده کنید حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در رابطه با معاویه‌ای که او را مسلمان نمی‌داند و می‌فرماید:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَشْلَمُوا وَ لَكِنْ اشْتَسَلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۷۴، خ

۱۶ و كان يقول ع لأصحابه عند الحرب

ببینید عقیده امیرالمؤمنین درباره معاویه چنین است، اما با تمام این احوالات در جنگ صفین می‌فرماید:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ»

من دوست ندارم به معاویه ناسزا بگویید.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۲۳، خ

۲۰۶ و من کلام له ع و قد سمع قوما من أصحابه یسبون أهل الشام بصفین

دقت داشته باشید این جلساتی که برخی ها می گیرند، مسئله لعن نیست. سب و فحش است. در مورد مسئله «لعن» هم دقت دارید که تمام مراجع فتوا دادند که لعن علنی خلاف شرع است.

یکی از مراجع بزرگوار که بنده با تمام وجود به ایشان معتقد هستم و می دانم که ایشان مطیع امر مولا و مخالف هوای نفس هستند و حدود ۴۰ سال است که با ایشان مرتبط هستم در این خصوص ایشان می گویند: "همانطور که پدرم ملتزم بود در خانه تنها خانواده شخصی خودم این شب را گرامی می داریم، جلسات تبری می گیریم و غیر از خانواده ام هیچکس دیگر حتی دامادهایمان را هم راه نمی دهیم." ایشان به همراه فرزندان خود برنامه ای در داخل منزل انجام می دهند.

هیچ شکی نیست که تبری باید باشد و اصلاً بدون تبری، تولی معنا پیدا نمی کند. شما هزار بار هم که «الله الله الله» بگویید مشرکین هم «الله» می گویند. همانطور که قرآن کریم می فرماید:

(وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ)

هر گاه از آن ها سؤال کنی چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است مسلماً می گویند الله.

سوره لقمان (۳۱): آیه ۲۵

ولی وقتی «لا إله» می آید «الله» معنا پیدا می کند. شما در زیارت عاشورا می خوانید:

« يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ وَ بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ ذَلِكَ»

و یا:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي مَوْقِفِي هَذَا وَ أَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَةَ عَلَيْهِمْ وَ بِالْمُؤَالَاةِ لِنَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن _متوفای ۴۶۰ق_، مصباح المتهجد، ص ۷۷۵، ناشر: مؤسسة فقه الشيعة - بيروت - لبنان، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱ م

در اینکه باید تبری باشد هیچ شکی نیست. ولی باید دقت بشود که امام صادق (علیه السلام) هم بالای منبر در مسجد لعن نمی کردند. در کتاب «تهذیب» وارد شده است:

«سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ هُوَ يَلْعَنُ فِي ذُبْرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةً مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ - التَّيْمِي وَ الْعَدَوِي وَ فُعْلَانٌ وَ مُغَاوِيَةٌ وَ يَسْمِيهِمْ وَ فُلَانَةٌ وَ فُلَانَةٌ وَ هِنْدٌ وَ أُمُّ الْحَكَمِ أُخْتٌ مُغَاوِيَةٌ»

تهذیب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۲، ص ۳۲۱، ص ۱۶۹

عزیزان دقت داشته باشند که امام صادق نه در بالای منبر، نه در مسجد، نه در میان دیگران بلکه بعد از نماز و به صورت کاملاً شخصی این افراد را لعن می کردند. همچنین تعبیری که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که «شیخ صدوق» در کتاب «اعتقادات» خود صفحه ۱۰۷ می آورد چنین است. این روایت همچنین در کتاب «بحار الانوار» جلد ۷۱ صفحه ۲۱۷ نقل شده است. روایت چنین است:

«قِيلَ لَهُ إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يَغْلُنُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يَسُبُّهُمْ فَقَالَ مَا لَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ»

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفاي ۳۸۱هـ)، الاعتقادات في دين الإمامية، تحقيق:

عصام عبد السيد، ناشر: دار المفيد للطباعة و النشر والتوزيع - بيروت - لبنان، چاپ: الثانية ۱۴۱۴ -

۱۹۹۳ م

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۱،

ص ۲۱۷، ح ۴۹

بنابراین دوستان عزیز! ما باید مقداری دقت کنیم که نه دچار افراط شویم نه تفریط!! به تعبیر مقام معظم رهبری در تبیین جایگاه امیرالمؤمنین و دفاع از امیرالمؤمنین ما حد و مرزی برای خودمان نمی شناسیم. در ابطال عقاید مخالفین هم، مؤدبانه، منطقی و علمی برای خود حد و مرز نمی شناسیم.

از آن طرف، اهانت به اهل سنت، تحریک و جریحه دار کردن احساسات اهل سنت را هم خلاف شرع بین می دانیم.

انسان امروز باید با این شاخصه دفاع کند؛ نه تابع بعضی از تقریبی های احمق که می گویند ما باید کاری کنیم که این افراد از ما خوششان بیاید و قدم به قدم به عقب برگردیم و نه همانند افراطی هایی باشیم که کارشان سب و لعن است!!

تقریبی واقعی، مقام معظم رهبری است، حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) و مراجع ما هستند. این افراد هم معتقد به تقریب، هم معتقد به وحدت و هم صراحتاً فتوا می دهند که اهانت به اهل سنت حرام است و در دفاع از اهل بیت هم حد و مرزی برای خودشان قائل نیستند. و در ابطال عقاید مخالفین هم مؤدبانه برخورد می کنند.

بهترین دلیل ما وصیت نامه امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) است. در این وصیت نامه بحث تولی و تبری کاملاً نمود دارد. ما باید این چنین باشیم؛ نه از این افراد جلو بیفتیم و نه از این افراد عقب بمانیم.

عزیزان من، آنچه بزرگان ما اعلام کردند این است که با اهل سنت وحدت داشته باشیم. بنده همین امروز صبح در سایتها مشاهده کردم که فتاوی مراجع عظام تقلید از جمله امام خمینی و مقام معظم رهبری را آورده‌اند.

فتاوی امام خمینی (رحمة الله علیه): ما مسلمین، شیعه و سنی یکی هستیم و اصلاً قضیه شیعه و سنی در کار نیست.

فتاوی آیت الله العظمی سیستانی: بنده بارها گفتم و باز هم می‌گویم که نگویید سنی‌ها برادران ما هستند، بلکه بگوئید آن‌ها عزیزان ما هستند. کسی که وحدت مسلمین را نخواهد مسلمان نیست. سب صحابه، اهانت به مقدسات شیعه یا سنی و تحقیر ظالمانه نسبت به باورهای هرکدام از دو گروه، حرام است.

فتاوی آیت الله العظمی وحید خراسانی: اولاً لعن علنی ممنوع است و واقعاً دستورات دین بر همین امر تأکید دارند. ثانیاً در روایت معتبر آمده است:

«صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ عُوذُوا مَرَضَاهُمْ وَ اَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص

۳۸۳، ح ۱۱۲۸

توهین به مقدسات اهل سنت جایز نیست. پیروان ما نباید به مقدسات یا به علمای دیگر توهین کنند. ما تأکید کردیم که توهین به مقدسات مذاهب اسلامی جایز نیست.

تعبیری که آقایان در رابطه با اهانت می‌آورند چنین است: اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام‌زنی به همسر پیامبر حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران به ویژه سید الانبیاء پیامبر اعظم هم می‌شود.

فلذا این بحث و فرهنگ شخصی نیست، بلکه تعبیری است که از خود امام صادق (علیه السلام) است. آن بزرگوار در برابر کسی که سب علنی می‌کند، می‌فرماید:

«مَا لَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ»

از طرف دیگر روایت صحیح وارد شده مبنی بر اینکه:

«سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَهُوَ يَلْعَنُ فِي ذُبْرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةٌ مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ - الثَّمِيمِي وَ الْعَدَوِي وَ فُعْلَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَسْمِيهِمْ وَ فُلَانَةَ وَ فُلَانَةَ وَ هُنْدَ وَ أُمَّ الْحَكَمِ أُخْتِ مُعَاوِيَةَ»

ما که نباید از آن‌ها عقب‌تر بمانیم. شما ببینید «مرحوم مقدس اردبیلی» در کتاب «مجمع الفائدة» طبق همین روایت از کتاب «تهذیب الأحكام» فتوا داده است که یکی از مستحبات و تعقیبات نماز این است که باید بعد از هر نمازی تبری و لعن اعداء آل محمد باشد.

ما هم نمی‌گوییم که چه کسی را می‌خواهیم لعن کنیم، بلکه می‌گوییم که از دشمنان آل محمد تبری می‌جوییم و اسم هم نبریم.

«اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ»

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن - متوفای ۴۶۰ق، مصباح المتعبد، ص

۷۷۵، ناشر: مؤسسة فقه الشيعة - بيروت - لبنان، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱ م

البته این روایت «يُلْعَنُ فِي ذُبْرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ...» در کتاب «کافی» هم وجود دارد، اما روایت کافی ضعیف است و بنده معمولاً روایت کافی را مطرح نمی‌کنم. این روایت از «محمد بن عبدالحمید» و «سهل بن زیاد» نقل شده است. حالا ما «سهل بن زیاد» را ثقه می‌دانیم، اما «محمد بن عبدالحمید» مشکل دارد. ولی سند روایتی که در کتاب «تهذیب الأحکام» جلد ۲ صفحه ۳۲۱ نقل شده صددرصد صحیح است.

«سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَهُوَ يُلْعَنُ فِي ذُبْرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةَ مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ - التَّيْمِي وَ الْعَدَوِي وَ فُعْلَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَسْمِيَهُمْ وَ فُلَانَةَ وَ فُلَانَةَ وَ هُنْدَ وَ أُمَّ الْحَكَمِ أُخْتِ مُعَاوِيَةَ»

عرض کردم که این روایت هم صد در صد صحیح است. «مرحوم صاحب معالم» پسر «شهید ثانی» و «مرحوم مقدس اردبیلی» در کتاب «مجمع الفائدة و البرهان» طبق این روایت فتوا صادر کردند.

بنابراین بحث تبری کاملاً مشخص است و قرآن کریم هم چنین لعن می‌کند:

(أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ)

لعنت خدا بر ظالمان باد!

سوره هود (۱۱): آیه ۱۸

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی نقل می‌کردند که من در مدینه با چند تن از وهابی‌ها بحث می‌کردم. گفتند: نظر شما نسبت به صحابه و شیخین چیست؟! بنده گفتم: نظر و عقیده من نظر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است.

یکی از این وهابی‌ها عصبانی شد، اما دوستش گفت: چرا از حرف او عصبانی می‌شوی؟! او می‌گوید که عقیده‌اش عقیده حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است و آن بزرگوار هم سیده زنان اهل بهشت هستند.

چرا عصبانی می‌شوی؟!!

در کتاب «صحيح بخارى» به صراحت وارد شده است:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير،
اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص ١٣٦١، ح ٣٥١٠

در کتاب «صحيح مسلم» وارد شده است:

«إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنُنِي مَا آذَاهَا»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء
التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ١٩٠٣، ح ٢٤٤٩

همچنین در جلد سوم این کتاب وارد شده است:

«فَوَجَدْتُ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ قَالَ فَهَجَرْتُهُ فَلَمْ تَكَلِّمُهُ حَتَّى تُؤْفَيْتِ»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء
التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٣، ص ١٣٨٠، ح ١٧٥٩

بالتر از این که دیگر نیست!؟ لعن بالاتر است یا اینکه بگوئیم فلانی دروغگو و خائن است. در کتاب «صحيح
مسلم» روایتی از عمر بن خطاب نقل شده است که به صراحت می گوید:

«فَرَأَيْتُمَاهُ كَاذِبًا آيْمًا غَادِرًا خَائِنًا»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء
التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٣، ص ١٣٧٨، ح ١٧٥٧

این روایت از کتب اهل سنت است. این چند آدرسی که بنده دارم از آدرس‌های کلیدی است. دوستان باید این روایات را همانند واجبات نماز حفظ کنند و هر هفته به این آدرس‌ها رجوع کنند.

ما سی، چهل تا آدرس داریم که همانند واجبات نماز باید آن را حفظ کنیم و زمانی که دیدیم آقایان اهل سنت اصرار دارند و ناراحت هستند این آدرس‌ها را بدهیم تا خودشان به روایات مراجعه کنند. ما نمی‌توانیم از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) عقب بمانیم و این روایت هم روایت صحیحی است.

در کتاب «تصحیح اعتقادات امامیه» روایتی نقل شده است که امام می‌فرماید:

«و بَيْنَ لَهْمِ الضَّلَالَةِ أَلْتِي هُمْ عَلَيْهَا»

تصحیح اعتقادات الإمامیة، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: درگاهی، حسین، ص ۷۱،

فصل فی النهی عن الجدال

البته امام صادق (علیه السلام) نسبت به کسانی که وارد بحث می‌شوند، اما به مبانی تسلط ندارند به صراحت می‌فرماید:

«فَذَلِك حَرَامٌ عَلَيَّ شَيْعَتِنَا»

الطبرسی، ابي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب _متوفای ۵۴۸ ق_، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۴، تحقیق: تعلیق وملاحظات: السيد محمد باقر الخرسان، ناشر: دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، ۱۳۸۶ - ۱۹۶۶ م.

در این شکی نیست که کسی که مسلط به مبانی پاسخگویی به شبهات نیست و از فن مناظره هم بی‌اطلاع است خود را نخود هر آش می‌کند.

الآن در فضای مجازی و شبکه‌های وهابی شیطنانی مشاهده می‌کنیم بعضی از جوانان از روی احساسات با این شبکه‌ها تماس می‌گیرند، اما کارشناسان وهابی آن‌ها را سؤال پیچ می‌کنند و آن‌ها نمی‌توانند پاسخ بدهند.

وقتی این جوانان از پاسخگویی عاجز ماندند کارشناسان وهابی به دروغ ادعا می‌کنند که این افراد حجت الإسلام و آیت الله شیعیان هستند که از پاسخگویی عاجز هستند. حال آنکه مشخص است که آن آقایی که زنگ زده، انسانی عامی است که حتی یک آیه قرآن هم نمی‌تواند بخواند.

همین که وهابی‌ها این افراد را مسخره می‌کنند و آن‌ها نمی‌توانند جواب بدهند ادعا می‌کنند که این افراد آیت الله و اساتید قم بودند که نتوانستند پاسخ بدهند. لذا مشاهده می‌کنید که حضرت نسبت به این افراد می‌فرماید:

«أَنْ يَصِيرُوا فِئْتَةً عَلَى ضِعْفَاءِ إِخْوَانِهِمْ وَعَلَى الْمُبْطِلِينَ»

الطبرسي، أبي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب _متوفای ۵۴۸ ق_، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۴، تحقیق: تعليق وملاحظات: السيد محمد باقر الخرسان، ناشر: دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، ۱۳۸۶ - ۱۹۶۶ م.

این افراد هم باعث می‌شوند که عقیده جوانان شیعه تضعیف شود و هم مخالفین ما در اعتقاداتشان ثابت قدم باشند.

بارها برای ما در مکه اتفاق می‌افتاد که بعضی از بزرگواران و روحانیون شیعه با علمای وهابی بحث می‌کردند، اما نمی‌توانستند پاسخ بدهند. جوانان شیعه را در آنجا جمع می‌کردند و می‌گفتند که این آخوند شماس است که توانایی پاسخ دادن ندارد.

جوان شیعه می‌گوید: اگر از من سؤال می‌کردند و من نمی‌دانستم جواب بدهم، می‌گفتم که اگر از علما سؤال کنم آن‌ها می‌دانند. زمانی که یک عالم نمی‌تواند پاسخ بدهد من در اعتقادات خود شک می‌کنم. این تعبیر همان تعبیر امام صادق (علیه السلام) است که می‌فرماید:

«أَنْ يَصِيرُوا فِتْنَةً عَلَىٰ ضِعْفَاءِ إِخْوَانِهِمْ وَ عَلَىٰ الْمُبْطِلِينَ»

حضرت در ادامه می‌فرماید: زمانی که اهل باطل می‌بینند که یک شیعه نمی‌تواند حقانیت امیرالمؤمنین و بطلان آن‌ها را ثابت کند، شیعیان در اعتقادات خودشان متزلزل می‌شوند. و اهل باطل هم با خود می‌گویند که معلوم می‌شود مذهب ما حق است و آن‌ها نتوانستند پاسخ بدهند.

همان تعبیری که ما در اول سال تحصیلی عرض کردیم که مقام معظم رهبری سال گذشته در اولین روز درس خارج فقه خطاب به حوزه‌های علمیه فرمودند: حوزه‌های علمیه ما یا اصلاً از شبهه خبر ندارند و اگر کسانی هم از شبهه خبر دارند پاسخ شبهه را نمی‌دانند.

فقه تنها فقه اصول نیست، بلکه همین پاسخگویی به شبهات هم فقهی است که باید حوزه‌های علمیه ما به آن بپردازند.

بله اگر کسی می‌خواهد که در آینده مجتهد و فقیه شود باید تمام وقت خود را بگذارد تا فقه و اصول بخواند. ولی اگر کسی چنین هوایی در سر ندارد امروز از اوجب واجبات، در حد نماز، و شاید در بعضی از موارد وجوب آن از نماز هم بالاتر باشد؛ حضور و فعالیت در حوزه پاسخگویی به شبهات است.

اگر کسی خدای ناکرده نماز را ترک کند خودش گرفتار می‌شود، اما اگر در حوزه پاسخگویی به شبهات کوتاهی کند هم خود گرفتار می‌شود و هم باعث می‌شود تعدادی از جوانان شیعه در عقاید خود متزلزل شوند و گنااهش دامنگیر او نیز خواهد شد.

لذا بنده از همه عزیزان تقاضا می‌کنم برای برنامه‌ریزی شبانه روزی خود ساعات خاصی را به این کار اختصاص بدهند و وقت خود را با امیرالمؤمنین معامله کنند. در این صورت خواهند دید که امیرالمؤمنین با آن‌ها چکار می‌کند.

با امیرالمؤمنین عهد کنید که روزی سه، چهار ساعت از وقت خود را به آن بزرگوار اختصاص دهید و در آن چند ساعت هیچ کار دیگری انجام ندهید. زمانی که روی تخت بیمارستان هم بودید در حد توان برای امیرالمؤمنین کار کنید. زمانی که در مسافرت هم هستید برای آن بزرگوار کار کنید.

بارها عرض کردم مرحوم «صاحب جواهر» جوان ۲۵ ساله خود را از دست داد. زمانی که مردم برای تشییع جنازه فرزند ایشان آمدند و مشغول دفن او شدند مشاهده کردند که «صاحب جواهر» در گوشه‌ای از قبرستان نشسته و مشغول نوشتن کتاب «جواهر» است.

عده‌ای از نزدیکان به ایشان اعتراض کردند که مردم برای تشییع جنازه فرزند شما آمدند، اما او گفت: "من نذر کرده‌ام که هر روز چند صفحه از کتاب «جواهر» را بنویسم. می‌ترسم اگر مشغول شوم کفاره به گردن من بیاید." ما باید برای امیرالمؤمنین این‌طور کار کنیم!

در شرح حال صاحب کتاب «أعیان الشیعه» نقل شده است: ایشان حتی فرصت غذا خوردن نداشت. همشیره ایشان لقمه درست می‌کرد و در دهان ایشان می‌گذاشت، و ایشان مشغول نوشتن و مطالعه بود.

اینچنین کار کردند تا اینکه یک مرتبه کتب ارزشمندی همچون «أعیان الشیعه» نوشته شده، کتاب «الغدیر» و «جواهر» نوشته شد.

پرسش:

چه منبعی را سفارش می‌کنید تا مطالعه کنیم برای آمادگی پاسخ به شبهات!؟

پاسخ:

منبع إلى ماشاءالله وجود دارد. شما همین کتابی که ما در رد «غفاری» در سه جلد نوشتیم و به شهادت آقایان مراجع از جمله آیت الله العظمی سبحانی و آیت الله العظمی صافی که معتقدند کسی تا به حال به این صورت پاسخ نداده است؛ یکی از بهترین منابع هست.

ما در این کتاب، هرچه دیگران جواب داده بودند را هم استفاده کردیم. من این را خدمت آقایان بگویم که ما شصت درصد، هفتاد درصد از مطالب گذشته استفاده کردیم و سی درصد هم مطالب جدید به آن اضافه کردیم. شاید بعد از گذشت چندین سال، شخصی مطالبی به این مطالب ما اضافه کند.

شما می‌توانید هم مباحثه پیدا کنید و این مطالب را از ابتدا تا انتها با هم مباحثه کنید. همچنین می‌توانید کتاب «المراجعات» را از ابتدا تا انتها مباحثه و تلخیص کنید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته